

به ادامه مطالعات علمی و پژوهشی
پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

فصل چهارم

مطالعه ما در مورد موضوع عقل میباشد و آن هم در تحت این عنوان

عقل چیست و انسان چه وقت عاقل میشود

نویسنده: ایگور گروسمن «Igor Grossman»
تاریخ نشر: ماه اکتوبر سال «2020» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

علم خرد

The Science of wisdom

علم روانشناسی اکنون می تواند خرد را اندازه گیری و
پرورش دهد و جایگزین گمانه زنی های فلسفه و دین
شود.

*Psychological science can now measure and nurture
wisdom, superseding the speculations of philosophy
and religion*



خرد پر از تناقض است. این یکی از قدیمی‌ترین مباحث در تاریخ فکری بشریت است، و با این حال صحبت کردن در مورد خرد می‌تواند عجیب و ریاکارانه به نظر برسد. به نظر می‌رسد مردم در مورد اینکه چه کسی خردمند است و چه کسی خردمند نیست، شهود دارند، اما اگر آنها را برای تعریف خرد تحت فشار قرار دهید، تردید خواهند کرد. خرد، با ویژگی‌های عرفانی خود، بر پایه‌ای قرار دارد که الهام‌بخش هیبت و وحشت و کمی احترام خاموش است. استخراج کهن‌الگوهای خرد در تاریخ (درویدها، فرزندگان صوفی) یا فرهنگ عامه (بیودا در جنگ ستارگان یا دامبلدور در هری پاتر) آسان است، اما به کار بردن آن برای فرد در خیابان دشوارتر است. اکثر مردم موافقند که خرد مطلوب است، اما دقیقاً چیست؟

این ادعا وسوسه‌انگیز است که علاقه به خرد با ظهور سنت‌های فلسفی خاص شرق دور مانند بودیسم، هندوئیسم، تائوئیسم پدیدار شد که هر کدام بر زندگی فرزندگان و راه‌هایی برای درک وجود خود در دنیای همیشه در حال تغییر تأکید دارند. البته، نه مفهوم فرزندگان و نه فرآیند درک جهان، مختص یک مکتب فکری خاص نیستند - اکثر ادیان و ایدئولوژی‌ها فرزندگان و قدیسان خود را دارند و تلاش می‌کنند جهان‌بینی خاصی را ارائه دهند. حقیقت این است که مفهوم خرد فوق‌العاده باستانی است و منحصر به هیچ فرهنگ یا شیوهی خاصی از هستی نیست.

به عنوان مثال، بیش از (۵۰۰۰) سال پیش در بین‌النهرین باستان، خدای ماه، نانا، پروردگار خرد، نمادی از مجموع قدرت‌های دیگر خدایان سومری، از جمله دوراندیشی، عدالت، باروری و عشق بود. خرد موضوعی برجسته در متون باستانی مصر و یهود بود و به عنوان یک الزام در مشاوره به حرفه‌هایی مانند الوهیت، جادوگری یا دربار فرعون مطرح می‌شد. **پتا هوتپ**، وزیر مصر باستان، در کتاب‌های خود، دستورالعمل‌هایی را برای

حفظ نظم اجتماعی، دستیابی به موفقیت سیاسی و پرورش خودکنترلی - به عبارت دیگر، مهارت‌های خرد - را شرح داده است. در کتاب جا معه عهد عتیق، جایی که زندگی فراتر از درک است، خرد محدودیت‌های دانش را تشخیص می‌دهد.

اگر ماشین زمان داشتیم و می‌توانستیم به نقطه‌ای از تاریخ تقریباً در میانه بین بین‌النهرین باستان و اکنون سفر کنیم، خود را در یونان باستان در زمان فیثاغورث، افلاطون و ارسطو می‌یافتیم. فیثاغورث ریاضیات و نظریه موسیقی را توسعه داد و یکی از منابع احتمالی اصطلاح «فلسفه» - عشق به خرد (فیلو-سوفیا) - است. برای فیثاغورث، اعداد ویژگی اساسی واقعیت، عرفان، تعادل هارمونیک اعداد و خود خرد بودند. افلاطون و بهترین شاگردش ارسطو، با تکیه بر برخی از ایده‌های فیثاغورث، خرد را یک فضیلت اساسی انسانی می‌دانستند - «عادت ذهن در هماهنگی با عقل و نظم طبیعت»، همان‌طور که **سیسرو**، فیلسوف و دولتمرد رومی، چند قرن بعد نوشت. برای ارسطو، مانند متفکران خاور نزدیک هزاره‌ها قبل از او، خرد عنصری کلیدی در مسیر دستیابی به یک زندگی خوب بود، مسیری که مستلزم تعادل و میانه روی بین افراط و تفریط بود. ایده‌های افلاطونی و ارسطویی در مورد خرد، به عنوان ستون فقرات ایدئولوژیک فلسفه مسیحی قرون وسطی، قرن‌ها بر مباحث علمی تسلط داشتند. متکلمانی مانند آگوستین هیپو و بعدها توماس آکویناس، هنگام بحث در مورد مبانی عقل، فهم یا ماهیت اخلاق، نوشته‌های یونانیان را بر اساس آرمان‌های مسیحی تفسیر می‌کردند.

با وجود همه اینها، جذابیت خرد در دوران رنسانس و عصر روشنگری رو به کاهش گذاشت. با پیشرفت مدرنیته، گفتمان از زندگی خوب به سمت جستجوی منافع شخصی و سودمندی عقلانی تغییر جهت داد - ایده‌هایی که بر منافع فوری متمرکز بودند و هدفشان کاهش معضلات اخلاقی پیچیده به یک مخرج مشترک واحد بود، نه تعادل و میانه‌روی.

موضوع خرد تا دهه 1970، همراه با ثبات پس از جنگ جهانی دوم و روح زمانه عصر جدید، دوباره در محافل فلسفی جریان اصلی ظهور نکرد. تمرکز جدید بر شادی «بهینه» و رضایت روانی منجر به کشف مجدد ایده‌های ارسطویی در مورد فضایل و دیدگاه‌های غیر غربی در مورد شکوفایی شد. در فلسفه، کتاب «به دنبال فضیلت» (1981) اثر السدیر مک‌اینتایر منجر به تجدید علاقه به موضوع خرد از منظر ارسطویی شد.

دانشمندان علوم رفتاری نسبتاً دیر به این عرصه وارد شدند و اولین تلاش فروتنانه برای مطالعه تجربی خرد در دهه 1970 در رساله‌ای از ویوین کلیتون آشکار شد. کلیتون که امروز یک متخصص اعصاب و روان‌سالمدان در کالیفرنیا است، قصد داشت ویژگی‌هایی را که یک گروه ۸۳ نفره از آمریکایی‌های غیر روحانی با یک فرد خردمند مرتبط می‌دانستند، بررسی کند و به سه عنصر رایج رسید: شناخت، تأمل و شفقت.

مانند هزاران سال پیش از ارسطو، روانشناسان و دانشمندان علوم اجتماعی که پس از کلیتون آمدند، موافق بودند که خرد به دنبال یک زندگی خوب است. با این حال، چنین

جستجویی مستلزم چیست؟ معنای زندگی خوب و راه‌های دستیابی به آن، بسته به مکتب فلسفی متفاوت است. به دلیل تاریخ فکری طولانی و متنوع خرد، دانشمندان می‌توانستند تعاریف را انتخاب کنند. در حالی که برخی از دانشمندان از ایده‌های افلاطونی و ارسطویی پیروی می‌کردند، برخی دیگر از بودیسم، هندوئیسم یا تائوئیسم وام می‌گرفتند - جهان‌بینی‌هایی را ترویج می‌کردند که به روش‌های کاملاً متفاوت یا حتی متضاد با محیط زیست مرتبط بودند. برخی از محققان به طور کلی از فلسفه طفره رفتند و برچسب «خرد» را برای سطح بلوغ رشد بزرگسالان حفظ کردند. و برخی دیگر بدون تعریف روشنی از خرد یا «پیری»، به جستجویی دن کیشوت وار برای یافتن خرد در پیری پرداختند. به هر حال، معنای «پیر» در چند قرن گذشته به طرز چشمگیری تغییر کرده است، با افزایش میانگین طول عمر انسان.

رویکرد علمی به خرد تنها در چند دهه گذشته، تقریباً همزمان با شروع مواجهه جهان با بی‌ثباتی‌های اجتماعی و اقلیمی فزاینده، شروع به شتاب گرفتن کرده است. برخی نگران بودند که این شتاب به ورطه‌ای منتهی شود. انتخاب و گزینش سنت‌های فلسفی مختلف و توسعه نظریه‌ها بدون بحث جدی بین آنها، دانشمندان حوزه خرد را در آغاز قرن بیست و یکم در مقابل هم قرار داد: حوزه‌ای پر از کلمات هنوز زبان مشترکی نداشت. یک کتاب راهنمای اخیر خرد، به تعداد فصل‌هایش، تعاریف زیادی از این مفهوم را در بر داشت. مانند برج بابل، محققان در معرض خطر فروپاشی یک حوزه علمی که به آرامی در حال ظهور بود، قرار داشتند.

من یکی از دانشمندان بسیاری بودم که در مسیر خرد و معنای آن قرار داشتم و نگران این روندها بودم. اما، مانند اکثر محققان، ابتدا سکوت کردم. سپس، یک سری اتفاقات مرگبار مرا از خواب دانشگاهی‌ام بیدار کرد. در یکشنبه عید پاک ۲۰۱۹، بمب‌گذاران انتحاری در سراسر سریلانکا یکی از حملات تروریستی هماهنگ جهان در یک دهه را ترتیب دادند و بیش از «۲۵۰» نفر را در چندین شهر کشتند. ارزش خرد در جهانی قطبی شده و پر از خشونت و نفرت چیست؟ چگونه می‌توانیم از خرد برای مبارزه با این روندها استفاده کنیم؟ مانند بسیاری از مردم در پی فاجعه بمب‌گذاری‌های سریلانکا، من هم به این سوالات فکر می‌کردم. این حملات شخصاً بر من نیز تأثیر گذاشت. قرار بود اولین اجلاس پان-آسیایی در مورد خرد، که من در سازماندهی آن کمک کرده بودم، تنها یک ماه بعد در سریلانکا برگزار شود. با وجود لغو کنفرانس‌ها، ایده‌ای به ذهنم رسید: چرا محققان خرد را به خانه‌ام در تورنتو نیاورم؟ و بنا براین از دانشمندان علوم رفتاری و اجتماعی دعوت کردم تا به بحثی بپیوندند که هدف آن روشن کردن زبان و شرایط لازم برای ساختار خرد روانشناختی بود. می‌خواستم خرد را ساختار شکنی کنم، درک مشترکی از اجزای حیاتی روانشناختی آن ایجاد کنم تا بتوان از آن برای خیر عمومی استفاده کرد.

برخی از پرکارترین و مشهورترین دانشمندان خرد در جهان به این فراخوان پاسخ دادند و هسته اصلی گروه ویژه خرد تورنتو را تشکیل دادند. تعداد بیشتری از گروه‌های تحقیقاتی به نظر سنجی‌ای که من از طریق فهرست‌های پستی مختلف توزیع کردم تا نظرات

دانشمندان در مورد خرد و روش‌های اندازه‌گیری آن را جمع‌آوری کنیم، پاسخ دادند. ما پاسخ‌های آنها را قبل از جلسه تجزیه و تحلیل می‌کردیم و در آنجا در مورد آنها بحث می‌کردیم. و بنا براین، در یک روز آفتابی و گرم در ژوئیه ۲۰۱۹، دانشمندان خرد از استرالیا، چین، اروپا و آمریکای شمالی در دانشگاه تورنتو گرد هم آمدند و به صورت زنده و پس از آن گروه بزرگتری از محققان از کشورهای دیگر به بحث پرداختند.

هدف اصلی ما بررسی امکان اجماع علمی در مورد ویژگی‌های روانشناختی خرد و بهترین شیوه‌های اندازه‌گیری آن بود. ما امیدوار بودیم که خرد را از جایگاه عرفانی آن پایین بکشیم و پایه‌ای عملی‌تر و ملموس‌تر پیدا کنیم که نه تنها برای فرزندان و شخصیت‌های داستانی، بلکه برای انسان‌های عادی نیز مفید باشد.

یکی از اولین وظایف ما شناسایی دام‌های رایج برای محققان ناآگاه خرد بود. سه اشتباه برجسته بود. اولین مورد، دیدن کیفیت خرد به عنوان یک مقوله همه یا هیچ بود که در درجه اول به ارث رسیده یا توسط طبیعت اعطا می‌شود، مفهومی که به عنوان ذات‌گرایی روانشناختی شناخته می‌شود. این باور که توسط روانشناس سوزان گل‌من و بسیاری دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است، این است که ساختاری مانند خرد را می‌توان به نوعی ماهیت واقعی که نمی‌توانید مستقیماً مشاهده کنید، تقلیل داد.

در مدل خرد مشترک که توسط گروه ویژه ایجاد شده است، دورکن خرد به طور همزمان عمل می‌کنند. فرانشناخت بدون آرمان‌های اخلاقی، یک جامعه‌سنجی حیل‌گر را به جای یک فرد خردمند نشان می‌دهد. خبر خوب این است که جامعه‌سنجی نادر است: آرمان اخلاقی معمولاً با یک دیدگاه کلی همراه است. در عین حال، مطالعات نشان می‌دهد که فرانشناخت، آگاهی بیشتر از نگرانی‌های اخلاقی را تسهیل می‌کند و همکاری را افزایش می‌دهد. از این گذشته، آرمان‌های اخلاقی به خودی خود مفاهیم انتزاعی هستند. برای به کارگیری مؤثر آنها در زندگی روزمره، باید تصویر کلی را در نظر بگیرید و آن را با طیف وسیعی از شرایط دیگری که در گذشته با آنها روبرو بوده‌اید (یا در مورد آنها آموخته‌اید) مقایسه کنید. وقتی موقعیت پیچیده است و اهداف اخلاقی در تضاد هستند، هیچ قانون اخلاقی ساده‌ای وجود ندارد که خردمند بتواند آن را اعمال کند. در عوض، شما به خود فرانشناخت نیاز دارید تا اهداف اخلاقی مختلف را بر اساس جزئیات یک موقعیت متعادل کنید.

مثالی را در نظر بگیرید. شما بهترین مرد یا زن در عروسی برادرتان هستید و وظیفه شما آوردن حلقه‌های ازدواج است. عروسی در یک شهر نزدیک برگزار می‌شود و تنها شانس شما برای رسیدن به موقع، سوار شدن به قطار بعدی است. به ایستگاه قطار می‌رسید. وقتی برای خرید بلیط می‌روید، متوجه می‌شوید که کیف پول و تلفن همراهتان گم شده است. وقتی برای صحبت با پلیس ندارید و افراد دیگر در ایستگاه درخواست شما برای استفاده از تلفنشان یا قرض دادن پول برای تماس با برادرتان را رد می‌کنند. ناامیدانه، روی نیمکتی در سالن اصلی می‌نشینید. متوجه می‌شوید که فرد ثروتمندی که کنارتان نشسته است، به تماس تلفنی پاسخ می‌دهد، بلند می‌شود و از گوشه‌ای رد می‌شود تا

خصوصی صحبت کند. ژاکت گران قیمت آن فرد روی نیمکت است. متوجه می‌شوید که بلیط قطارتان از جیب ژاکتتان بیرون زده است. می‌توانید به راحتی و بدون اینکه کسی متوجه شود، این بلیط را بردارید. به نظر می‌رسد که این فرد می‌تواند بدون هیچ مشکلی بلیط دیگری بخرد، زیرا قطار نیمه خالی است. چه باید بکنید؟

این داستان پیچیده است زیرا اصول اخلاقی مختلف در تضاد با یکدیگر هستند. آیا این ایده که «دزدی در یک جرم ناعادلانه» بر توجه شما به وفاداری به خانواده تان غلبه می‌کند یا برعکس؟ برای حل مؤثر این معضل، باید اصول اخلاقی مختلفی را که به ذهنانتان می‌رسد، بسنجید. شما باید از خودتان بپرسید که در مورد این گزینه‌های تصمیم‌گیری چه احساسی دارید، تربیت فرهنگی شما در مورد آنها چه می‌گوید و ویژگی‌های خاص موقعیت شما چیست. هر یک از این وظایف نیاز به توانایی فرانشناختی برای ساختن تصویر کلی دارد و آن را به یک ویژگی اساسی قضاوت خردمندانه تبدیل می‌کند.

گروه ویژه ما دریافت که آرمان‌های اخلاقی و فرانشناخت، پلی بین طیف وسیعی از مواضع فلسفی و نظریه‌های روانشناختی ایجاد می‌کنند. به عنوان مثال، هم ایده ارسطویی خرد عملی و هم این مفهوم که خرد مربوط به خوداندیشی است، که در روانشناسی رشد رایج است، به نظر می‌رسد که به بلوک‌های سازنده فرانشناختی مشابهی نیاز دارند: تأمل در مورد آنچه متغیر است، در نظر گرفتن محدودیت‌های خود، اذعان به دیدگاه‌های متنوع و تلاش برای متعادل کردن و ادغام این دیدگاه‌ها. و اگر چنین باشد، اکنون بالاخره می‌توان این بلوک‌های سازنده را به طور سیستماتیک اندازه‌گیری کرد. همچنین می‌توان فهمید که چگونه آنها را پرورش دهیم - جام مقدس در فلسفه کلاسیک و علم آموزش مدرن.

با فراهم کردن پایه‌های اساسی خرد، به دو دام اول بازگشتیم: ذات‌گرایی روانشناختی و مغالطه زیست‌محیطی. چگونه می‌توانیم هنگام اندازه‌گیری آرمان اخلاقی و فرانشناخت از این موارد اجتناب کنیم، به طوری که علم ما از یک آزمایشگاه به آزمایشگاه دیگر دقیق و منسجم باقی بماند؟

در نظریه اندازه‌گیری، علوم رفتاری مدرن توصیه می‌کند که یک فرد را در چندین موقعیت تشخیصی مشاهده کنیم. من موقعیت‌های تشخیصی را ذکر می‌کنم زیرا همه موارد به خرد نیاز ندارند. برخلاف مثال بلیط قطار در بالا، هنگام یادگیری نحوه دوچرخه‌سواری یا محاسبه ثروت مالی فرد، تا زمانی که هیچ یک از این دو کار شامل یک مؤلفه اجتماعی نباشد، به خرد کمی نیاز است.

دانشمندان با اندازه‌گیری موقعیت‌های خاص، می‌توانند خرد را در بافت خود قرار دهند. تا زمانی که از رفتار منحصر به فرد در موقعیت‌های خاص به فرد یا کل یک گروه تعمیم ندهید، می‌توانید از ذات‌گرایی روانشناختی و مغالطه اکولوژیکی اجتناب کنید.

اما اگر بخواهید خرد فرد را به طور کلی اندازه‌گیری کنید، چه؟ در این مورد، روش‌های پیشرفته به معنای اندازه‌گیری مکرر افراد است. به این ترتیب، می‌توانید هم میزان خرد فرد را به طور کلی (میانگین‌گیری از پاسخ‌های او) و هم چگونگی تغییر او از یک موقعیت به موقعیت دیگر تخمین بزنید. این رویکرد به زیبایی از مغالطه اکولوژیکی اجتناب می‌کند، جایی که یافته‌های گسسته به معنای چیزی بیش از آنچه هستند، تعمیم داده می‌شوند.

در کار گروه خرد تورنتو، تأکید کردیم که انتخاب معیار به سؤالی که فرد می‌خواهد به آن پاسخ دهد بستگی دارد. ما بین سؤالات مربوط به عملکرد در موقعیت‌های خاص (مثلاً، چقدر احتمال دارد که هنگام مواجهه با یک موقعیت چالش‌برانگیز، دیدگاه‌های متنوع را در نظر بگیرید؟) و خودپنداره‌های انتزاعی (فکر می‌کنید چقدر در دیدگاه‌گیری خوب هستید؟) تمایز قائل شدیم. هر رویکرد نقاط قوت و ضعفی دارد. نکته این است که هیچ معیار یکسانی برای خرد وجود ندارد و یک معیار واحد هرگز کافی نیست.

از آنجا که خرد مطلوب است، سنجش ویژگی‌های اخلاقی یا فراشناختی آن چالش‌های منحصر به فردی را به همراه دارد. خودنگری در مورد ویژگی‌های فراشناختی مانند فروتنی فکری باید با احتیاط انجام شود. از این گذشته، گفتن اینکه شما از دیگران فروتن‌تر هستید، با مفهوم فروتنی در تضاد است. به جای اینکه از افراد در مورد برداشت کلی‌شان از فروتنی بپرسید، در مورد موقعیت‌های خاصی که ممکن است فرد در آنها فروتنی نشان داده باشد، بپرسید و سؤالات خود را در چارچوب مناسب قرار دهید.

با تعیین آرمان‌های اخلاقی و فراشناخت به عنوان ارکان اصلی مدل خرد مشترک و ایجاد بهترین شیوه‌ها برای سنجش آنها با توجه به مشکلات، گروه ویژه سرانجام آماده شد تا به یک مسئله نهایی و حیاتی بپردازد: چگونه می‌توان این ارکان را پرورش داد؟ اولین قدم درک این بود که چگونه خرد از یک موقعیت به موقعیت دیگر متفاوت است. معلوم شد که بسیار متفاوت است.

در یکی از اولین مطالعات تجربی من در مورد خرد، من و همکارم اتان کراس از افرادی که در یک رابطه عاشقانه تک همسری بودند دعوت کردیم تا به آزمایشگاه ما بیایند و آنها را به طور تصادفی به دو گروه تقسیم کردیم. یک گروه در مورد موقعیتی که شریک زندگی‌شان به بی‌وفایی اعتراف می‌کند، تأمل کرد. گروه دیگری در مورد یک موقعیت مشابه تأمل کردند، اما این بار دوست صمیمی‌شان خیانت کرده بود. وقتی میزان تشخیص شرکت‌کنندگان از محدودیت‌های دانش خود، تمایل آنها به در نظر گرفتن دیدگاه‌های متنوع یا یافتن راه‌های مختلف برای بروز موقعیت را ارزیابی کردیم، شگفت‌زده شدیم. اگرچه شرکت‌کنندگان در مورد یک نوع موقعیت تأمل کردند، اما کسانی که به خیانت شریک دوستشان فکر می‌کردند، به طور قابل توجهی بیشتر از افرادی که شریک خودشان خیانت آنها را فاش کرده بود، در هر یک از جنبه‌های فراشناختی درگیر شدند. این یافته شهودی نیست: آیا ما خودمان را بهتر از دوستانمان نمی‌شناخیم؟ آیا ما انگیزه بیشتری برای حل مسئله‌ای که شخصاً به ما مربوط می‌شود، نداریم؟ با وجود بینش

عمیق‌تر و انگیزه بیشتر، وقتی موقعیت به خودمان مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد توانایی ما برای تأمل در مورد تخلفات بین فردی در زندگی شخصی‌مان کاهش یافته است.

از زمانی که من این مطالعه اول را انجام دادم، عدم تقارن در خرد در آزمایشگاه‌های دیگر نیز تکرار شد، نه تنها برای خیانت، بلکه برای خیانت به اعتماد. با این حال، محققان دیگر عدم تقارن مشابهی را برای خلاقیت و بیزاری از ضرر در تصمیم‌گیری مشاهده کرده‌اند. من اصطلاح «پارادوکس سلیمان» را برای توصیف این عدم تقارن، که به نام پادشاه یهود نامگذاری شده است، ابداع کردم. او در مواجهه با مشکلات دیگران خرد زیادی از خود نشان می‌داد، اما در مواجهه با چالش‌های شخصی خود نیز حماقت زیادی از خود نشان می‌داد.

همانطور که مشخص شد، خرد فقط بین افرادی که در آزمایشگاه سناریوهای فرضی می‌خوانند، متفاوت نیست. حتی یک فرد معمولاً در طول زمان تغییرات قابل توجهی را نشان می‌دهد. چند سال پیش، محققان از گروهی از برلینی‌ها خواستند تا چالش‌برانگیزترین مسئله شخصی خود را گزارش دهند. شرکت‌کنندگان همچنین نحوه استدلال خود در مورد هر چالش، از جمله استراتژی‌های فراشناختی مشابه آنچه در بالا توضیح داده شد، را گزارش کردند. هنگام بررسی نتایج، محققان الگوی عجیبی را مشاهده کردند: برای اکثر ویژگی‌ها، در طول زمان تنوع بیشتری در یک فرد نسبت به بین افراد وجود داشت. به طور خلاصه، خرد از یک موقعیت به موقعیت دیگر بسیار متغیر بود. این تنوع همچنین از قوانین سیستماتیک پیروی می‌کرد. این تنوع زمانی افزایش می‌یافت که شرکت‌کنندگان بر روی افراد نزدیک و همکاران کاری خود تمرکز می‌کردند، در مقایسه با مواردی که شرکت‌کنندگان صرفاً بر روی خودشان تمرکز می‌کردند.

این مطالعات یک طنز خاص را آشکار می‌کنند: در موقعیت‌هایی که ممکن است بیشترین اهمیت را به رفتار عاقلانه بدهیم، احتمال کمتری وجود دارد که این کار را انجام دهیم. آیا راهی برای استفاده از بینش‌های مبتنی بر شواهد برای مقابله با این گرایش وجود دارد؟

تیم من با تغییر نحوه برخورد با موقعیت‌هایی که در آن‌ها خرد تقویت یا سرکوب می‌شود، به این موضوع پرداخت. وقتی موقعیتی شخصاً شما را درگیر می‌کند، می‌توانید تصور کنید که یک خود دور از دسترس هستید. به عنوان مثال، می‌توانید از زبان سوم شخص استفاده کنید (به جای «من چه فکر می‌کنم؟» «او چه فکر می‌کند؟»)، یا از نظر ذهنی بین خود و موقعیت فاصله زمانی قرار دهید (من «یک سال بعد» چگونه پاسخ می‌دادم؟). مطالعات نشان می‌دهد که چنین استراتژی‌های دوری به افراد کمک می‌کند تا در مورد طیف وسیعی از چالش‌های اجتماعی به شیوه‌ای عاقلانه تر تأمل کنند. در واقع، مطالعات اولیه نشان می‌دهد که نوشتن خاطرات روزانه در حالت خود دور از دسترس نه تنها خرد را در کوتاه مدت افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به افزایش خرد در طول زمان نیز شود. به نظر می‌رسد که جام مقدس آموزش خرد امروز یک قدم نزدیک‌تر شده است.

با غروب خورشید در تورنتو، اولین جلسه گروه ویژه خرد به پایان خود نزدیک می‌شد. ما شروع قدرتمندی داشتیم، صدای واحدی در مورد ارکان روانشناختی خرد پیدا کردیم، زبانی مشترک ایجاد کردیم و بهترین شیوه‌ها را برای ارزیابی شناسایی کردیم. با توجه به کوتاهی جلسه، بسیاری از سؤالات بی‌پاسخ ماندند. آیا خرد مصنوعی می‌تواند وجود داشته باشد (و چگونه از هوش مصنوعی متمایز می‌شود)؟ آیا ستون‌های روانشناختی خرد همیشه مطلوب هستند؟ دقیقاً چگونه می‌توان بینش‌های مربوط به خرد را در مواقع عدم قطعیت و ناآرامی‌های مدنی به کار برد؟ در ماه‌های بعد، اعضای گروه ویژه شروع به کار بر روی گزارشی از جلسه کردند، زیرا تمام جهان به نیمه شب در ساعت اتمی نزدیک تر می‌شد. نیمه اول سال 2020 آتش‌سوزی‌های بوته زار در استرالیا، یک بیماری همه‌گیر جهانی، ناآرامی‌های اجتماعی، پیامدهای اقتصادی جهانی و شمارش را برای ما به ارمغان آورده است. در چنین مواقعی، به نظر می‌رسد خرد بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. با تجزیه و تحلیل آن، دانشمندان اکنون می‌توانند به پرورش و حفظ خرد در مواقع چالش‌برانگیز توجه کنند.

برای مطالعه بیشتر در مورد خرد، به سایت خواهر *Psyche*، *Aeon*، مراجعه کنید، یک مجله دیجیتال جدید که وضعیت انسان را از طریق سه منشور روشن می‌کند: سلامت روان؛ سوال همیشگی «چگونه زندگی کنیم»؛ و جنبه‌های هنری و متعالی زندگی.

مقاله را بخوانید: *Grossmann, I*. (2020، 15 اکتبر). علم خرد: علم روانشناسی اکنون می‌تواند خرد را اندازه‌گیری و پرورش دهد و جایگزین گمانه‌زنی‌های فلسفه و دین شود. اینان. برگرفته از <https://aeon.co/essays/how-psychological-scientists-found-the-empir>

پایان

=====

